

**نقش جغرافیای استراتژیک افغانستان
بر رقابت ژئوپلیتیکی در مثلث بحران
(کشمیر - فرغانه - سین کیانگ)**

نویسندگان:

سجاد افشار

مریم وریج کاظمی



انتشارات
دانشگاه آجا

انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۲

سرشناسه	: افشار، سجاد، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآور	: نقش جغرافیای استراتژیک افغانستان بر رقابت ژئوپلیتیکی در مثلث بحران (کشمیر، فرغانه و سین کیانگ) / نویسندگان سجاد افشار، مریم وریج کاظمی، ویراستار حمیدرضا گلثومیان
مشخصات نشر	: تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه فرماندهی و ستاد، انتشارات دافوس، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۵۰-۶۴-۹:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتبنامه: ص. ۳۹۴-۴۳۲.
موضوع	: سیاست جغرافیایی - افغانستان Geopolitics-- Afghanistan جغرافیای سیاسی - افغانستان Political geography -- Afghanistan
موضوع	: افغانستان - سیاست و حکومت - دخالت خارجی Afghanistan --Politics and government -- Participation, Foreign افغانستان - جنبه‌های استراتژیکی Afghanistan -- Strategic aspects فرغانه (دره) Fergana Valley سین کیانگ (چین) (Xinjiang Sheng (China جامو و کشمیر (هند) (Jammu and Kashmir (India
شناسه افزوده	: وریج کاظمی، مریم، ۱۳۵۹-
شناسه افزوده	: دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس
رده بندی کنگره	: ۴/DS۴۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۸۱۰۳۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

عنوان: نقش جغرافیای استراتژیک افغانستان بر رقابت ژئوپلیتیکی در مثلث بحران (کشمیر- فرغانه - سین کیانگ)

نویسندگان: سجاد افشار، مریم وریج کاظمی

طراح جلد: میلاد فرمادی

صفحه آرای: امیرحسین رضائی

ناشو: دافوس

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحه: ۴۳۴ ص

نویت چاپ: چاپ اول

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: مدیریت چاپ، انتشارات و فصلنامه دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

قیمت: ۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد، انتشارات دافوس

تلفن: ۶۶۴۱۴۱۹۱ - ۰۲۱، ۶۶۴۷۰۴۸۶ - ۰۲۱

مسئولیت صحت مطالب بر عهده مؤلفان می‌باشد.

کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

فهرست مطالب

۱۱	فصل اول
۱۱	کلیات
۱۲	رقابت ژئوپلیتیکی
۳۰	بحران ژئوپلیتیکی
۳۹	مرز
۴۱	ژئوپلیتیک انرژی و امنیت مسیرهای ترانزیت
۵۰	جغرافیای استراتژیک
۵۷	جغرافیای سیاسی - ژئوپلیتیک
۶۹	فصل دوم
۶۹	تشکیل مثلث بحران در سه حوزه کشمیر - فرغانه - کمانگ (با تاکید بر افراط گرایی اسلامی)
۷۰	درآمد
۷۱	موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای استراتژیک کشمیر
۷۴	علاقه مشترک هند و پاکستان در کشمیر
۷۶	اختلافات میان هند و پاکستان در کشمیر
۸۶	منازعات هند و چین در کشمیر
۹۴	اهداف ایالات متحده آمریکا در کشمیر
۹۵	بازیگران داخلی در قالب گروه های مبارز در کشمیر
۹۹	تحولات اخیر در کشمیر
۱۰۳	موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای استراتژیک حوزه دره فرغانه

از گذشته تاکنون، رقابت بر سر دستیابی منابع و ذخایر طبیعی نظیر خاک حاصلخیز، جنگل، رودخانه، دریا و اقیانوس ها، معادن و نظایر آن، از اولویت اساسی و البته ضروری بشر برای حفظ بقا به شمار می رود. این عوامل مهم توانسته تهدیدات داخلی و خارجی دولتها را در جهت برپایی یک سیستم امنیت جمعی برای رسیدن به همگرایی در منافع مشترک ترغیب نماید. از این رو دولتهای ملی- منطقه ای با تجزیه و تحلیل قرار دادن تنگناها و واقعتهای جغرافیایی سرزمین خویش به نتایج موثری رسیدند که آنها را گد ژئوپلیتیکی نامیدند؛ در واقع گد ژئوپلیتیکی شرح وظایف حکومت ها را در امور سیاستهای خارجی مشخص می کند و کشور با انتخاب و تعیین این گد بهتر به مقاصد و اهداف استراتژیکی خود می رسد. بدین ترتیب تضاد بین گدهای ژئوپلیتیکی دو کشور نیز بروز جنگ و درگیری را برای کسب و یا کنترل منافع اقتصادی-تجاری اجتناب ناپذیر می کند. اغلب قدرتهای قرن ۲۱ با استفاده از همین گدها توانستند بر جبر جغرافیایی غلبه نمایند و با تنوع بخشی به ساختار تجاری خود درصدد گسترش قلمرو باخیز مواضع فرهنگی و فروپاشی لایه های اقتصادی کشور میزبان بر آیند و امتیازات بی شماری را نیز کسب نمایند. در این راستا قدرتهای غربی گفتمان جدیدی با نام هژمون خواهی و انحصارطلبی را با جهان شرق به جلو بردند که نتیجه آن اشغال نظامی و نادیده گرفتن حاکمیت ملی کشورها بود.

در این راستا اگرچه بحران ساخته شده ایالات متحده امریکا و متحدانش در افغانستان؛ چیزی جز ویرانی، گسترش فقر و ناامنی، هژمون خواهی و ظهور بحران های حاد اقتصادی-اجتماعی و افزایش کارتل های مواد مخدر؛ برای این کشور آشوب زده به همراه نداشت، اما توانست صحنه بازی منحصر به فردی را برای اجرای نقش نفوذگذاری بازیگران قدرت طلب در سه کانون بالقوه خطرناک و بحرانی (سین کیانگ، فرغانه، کشمیر) در جهت برهم زدن تعادل نیروهای موثر ملی بوجود آورد. این سه ضلع مثلث علاوه بر شکاف عمیق با ساختارهای سیاسی-فرهنگی حاکمیت های ملی خود از ضعف هویت قومی-مذهبی در چارچوب یک سرزمین مشترک برخوردارند، با این

حال اختلافات قومی با پشتوانه افراط گرایی مذهبی به آنها فرصت مناسب برای درآمیختن با بحرانهای برخاسته از یکجانبه گرایی قدرتهای مداخله گر می دهد. این سه کانون بحران زا، با تکیه بر توان تجهیز و تامین نیروی انسانی و ایجاد شبکه گسترده از عملیات تروریستی که از سوی نیروهای فشار مورد حمایت غرب در افغانستان ساپورت مالی-معنوی میشوند، رقابت ژئوپلیتیکی قدرت های مداخله گر را در حوزه های امنیتی-سیاسی-اقتصادی-اجتماعی به پیش می برند. شکی نیست که این سه کانون بحرانی به شکل مستقل کارآیی لازم را برای برهم زدن توازن قوا در منطقه ندارند، اما با همبستگی و وحدت بین خود نتایج مطلوبی را برای قدرتهای مداخله گر بوجود می آورند، و در این بین موقعیت کریدوری افغانستان نقش محوری بازی می کند. افغانستان به دلیل همسایگی با چین، روسیه (از طریق آسیای مرکزی)، پاکستان و ایران (قدرتهای منطقه ای) که به عنوان قدرتهای رقیب غرب در نظر گرفته میشوند، فضای را برای غرب در ایجاد پایگاه نظامی-امنیتی بوجود آورد تا آنان رقبای خود را تحت نظر داشته باشند. اگرچه صاحب نظران عمق استراتژیک روسیه و چین، را افغانستان میدانند و علت علاقمندی ایالات متحده امریکا هم به همین منظور است، اما افغانستان به علت دسترسی نداشتن به آبهای آزاد، چندان مکانی مطلوبی برای اجرای استراتژی غربی ها به شمار نمی آید، آنچه نقش افغانستان را در مباحث سیاسی جهان برجسته می سازد مکمل بودن این کشور با پاکستان به جهت سکوی برای پیوند جمهوری های محصور در خشکی آسیای مرکزی با آبهای آزاد و موقعیت ترانسفری برای اجرای طرح یک کمربند-یک راه چین است. از سوی دیگر، تسلط ایدئولوژی افراط گرایی اسلامی همراه با گسترش فعالیت های خشونت آمیز-تروریسم و تسری آن به سایر نقاط جهان، نقش افغانستان را به عنوان موثرترین بازوی قدرتهای غربی برای مقابله با طرح های اقتصادی-امنیتی رقبای شرقی اش (چین-روسیه) برجسته کرده است. افغانستان سالها به دلیل موقعیت ممتاز گذرگاهی و تنوع قومی در بازساختار جغرافیای سیاسی اش، منافع ایالات متحده امریکا و به طور مشخص منافع استراتژیک - اقتصادی قدرتهای صنعتی غربی را بازتاب داده و تفسیر ظواهر

حاکمیتی نتوانسته تأثیرات مثبت خود را در سطوح فردی و اجتماعی این کشور بر جای نهد و همچنان به عنوان نادرترین کشور در عدم رسیدن به اجماع در حاکمیت ملی معرفی میشود.

با این تفاسیر این کتاب علاوه بر تعریف مشخص از ارکان اصلی ژئوپلیتیک یعنی رقابت و بحران، همچنین پرداختن به مفهوم جغرافیای استراتژیک، به عنوان اساسی ترین فرمول برای تدوین گد ژئوپلیتیک و سپس رقابت ژئوپلیتیکی؛ به بررسی مناطق سین کیانگ، درّه فرغانه و کشمیر که سه ضلع مثلث بحران را تشکیل می دهند، از منظر افراط گرایی اسلامی می پردازد و موقعیت استراتژیک-ترانسفری افغانستان را به مثابه اهرم فشار موثر قدرتهای غربی برای اعمال نفوذ مستقیم و یا غیرمستقیم بر تصمیمات قدرتهای شرق و تضعیف تدریجی آنها در نظر می گیرد؛ و در بخش جستار نیز بر اساس یافته های کتاب، نویسندگان تلاش میکنند تا راهکار منطقی برای جلوگیری از بحران در منطقه مورد مطالعه از طریق ایجاد اتحادیه اقتصادی ارائه دهند.

www.ketab.ir

سجاد افشار

مریم وریج کاظمی

۱۳۹۹